



یادداشت

تلاشهای بی ثمر ارتجاع برای بازگرداندن آب رفته به جوی

صادق کار



رئیس جنایتکار و منفور دستگاه سرکوبگر قضایی رژیم دو روز پیش در یک سخنرانی در ارتباط با جنگالی در ارتباط با حجاب توسط مرتجعین و مستبدین در هفته های اخیر به راه افتاده است گفت "دستورالعملی ۴ ماده ای ابلاغ کردم؛ مقرر شد فراجا با جرم مشهود برخورد کند؛ در برخی موارد، طرف رسماً نیمه برهنه یا برهنه است به دستگاه ها ابلاغ شده که اگر در مراسم آنها، اعمال خلاف شرع و قانون رخ دهد، مورد برخورد قرار می گیرند. او اما به این هم اکتفا نکرد و صاحبان کسب و کار ها را نیز تهدید به بستن دائمی محل های کسب و کارشان کرد

اژه ای با این سخنان حکم پیگرد زنان آزاده معترض به حجاب اجباری را صادر کرد و دست چماقداران و مرتجعین را برای دور دیگری از تعرض به زنان مبارز که حاضر به برتافتن حجاب اجباری نیستند بازگذاشت

بدنبال وی قالیباف نیز به پیروی از اژه ای از وجود قانون کافی برای مبارزه با بی حجابی سخن گفت .

"فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت در خصوص گزارش وزارت اطلاعات درباره حجاب و در پاسخ به این سوال که آیا این گزارش به دستور رییس جمهور انجام شده است و چرا پیش از اینکه به رهبری ارائه شود، در اختیار رییس جمهور قرار نگرفته است، گفت: وزارت خانه ها متناسب با وظایف خود گزارش های مختلفی را در بازه های زمانی مشخص تولید می کنند. این گزارش به هر دو بزرگوار تحویل شده است و قرار است جلوی جریانات سازمان یافته گرفته شود"

اظهارات این سه مقام حکومتی نشان از یک توافق پشت پرده میان هر سه قوه رژیم دارد. البته اهداف این اظهارات وسیعتر از مبارزه علیه مخالفان حجاب اجباری است. ایجاد جو رعب، به منظور جلوگیری از انفجار اجتماعی، منحرف کردن اذهان مردم از گرانی و تورم، بحران آلودگی هوا، رکود اقتصادی، بیکاری، بی آبی و پنهان سازی ضعف و استیصال حکومت و جلوگیری از ریزش ته مانده پایگاه اجتماعی رژیم را نیز مد نظر دارد. با این حال تلاش برای باز پس گیری دست آوردهای گرانقدر جنبش زن، زندگی، آزادی در راس همه ی این اهداف قرار دارد. با این وصف رژیم در موقعیتی نیست که بتواند هیچکدام از این اهداف را عملی نماید. تنها حربه های باقی مانده برای رژیم رعب و سرکوب است که این هردو نیز اثر خود را از دست داده اند. .

منشاء موضعگیری های اخیر در ارتباط با حجاب دعوایی است که میان جناح های رژیم بر سر ابلاغ قانونی که چند ماه پیش برای سختتر کردن حجاب اجباری در مجلس ارتجاع تصویب شد بر می گردد. در آن مقطع پزشکيان رسماً با آن مخالفت کرد و حاضر نشد، مسئولیت اجرای آن را بپذیرد. بهمین جهت رئیس مجلس برای جلوگیری از تشدید درگیری ها در درون حکومت با عدم ابلاغ قانون مصوب برای اجرا به دولت



توافقی هر چند شکننده بین طرفین به وجود آورد. با این وصف فشارها برای ابلاغ و اجرای قانون توسط قشریون تداوم پیدا کرد.

تاکید ازه‌ای و قالیباف بر موجود بودن قانون در واقع برای حفظ ظاهری توافق انجام شده است. اما در عمل آنها با استناد به قوانین پیشین می خواهند با استفاده از فضای جنگی موجود مهمترین دست آورد جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی را از زنان پس بگیرند.

فرمان البته از طرف خود خامنه‌ای در جلسه‌ای که در ۱۲ آذر با زنان محجبه داشت که گفت:

" غربی‌ها مدعی هستند که محدودیت‌های معین برای زن از جمله حجاب، مانع پیشرفت او خواهد شد، اما جمهوری اسلامی این منطق غلط را باطل کرد / رسانه‌ها مراقب باشند ترویج دهنده تفکر غلط غربی درباره زن نباشند" آمد و روسای قوه قضایی و قانون‌گذاری نیز صریحتر از خامنه‌ای ترجمان آن را اعلام کردند.

واقعیت این است که دعوای حجاب در ایران بر خلاف گفته‌های خامنه‌ای و پیروان وی یک امر داخلی و برآمده از جامعه خود ایران است اما خامنه‌ات تلاش دارد با ربط دادن مبارزات مردم علیه حکومت استبدادی و سرکوبگر خود ماهیت ارتجاعی حجاب اجباری را وارونه جلوه دهد.

آزادی حجاب و لباس کلید واژه نابرابری جنسیتی و آزادی در ایران و وجود قوانینی است که حقوق انسانی و شهروندی زنان را از آنها سلب کرده است. شعار جنبش مهسا نیز تنها آزادی حجاب و انتخاب لباس نبود، برابری کامل حقوق زنان با مردان، رفع همه ی تبعیضات ارتجاعی و ایدولوژیک تحمیلی بر زنان، استقرار آزادی با سرنگون کردن حکومت بود.

مبارزه علیه نابرابری و تبعیض و تامین این خواسته های متمدنی و انسانی که در تمام دهه های بعد از انقلاب ناکام ۵۷ ادامه داشت در جنبش مهسا به اوج خود رسید و به رغم همه ی سرکوبها زنان با نافرمانی مدنی بخشی از اهداف جنبش را به عمل درآوردند. تلاشهای مرتجعین جا مانده در قرون وسطا برای تحمیل حجاب اجباری در شرایطی که طرفداران آزادی انتخاب لباس به شمول بخشی از بدنه اجتماعی خود حکومت اکثریت بزرگی در جامعه را تشکیل می دهند و نارضایتی و اعتراض سراسر کشور را در خود گرفته و نیروهای مرتجع در انزوای کامل قرار دارند، فرجامی غیر از افزودن شکستی بر ناکامی های پیشین و انزجار بیشتر جامعه از بانیان و عاملان آنان در بر نخواهد داشت.

آنچه برای مردم مهم است و برای آن مبارزه می کنند دفاع از اندیشه های متحجرانه رژیم در مورد مسائلی مانند حجاب اجباری نیست، رفاه، آزادی، کار، هوا و محیط زیست سالم، امنیت اجتماعی و سیاسی و زندگی در صلح است. رژیم نشان داده که قادر و مایل به تامین این مطالبات اولیه مردم نیست. الگوی زندگی مردم ایران نیز مانند مردم اکثر کشورها قوانین و الگوهای مدرن و متمدنی است، قوانین پوسیده و الگوهای ۱۴۰۰ سال پیش پاسخگویی نیازهای جوامع مدرن نیست و تلاش برای تحمیل آنها به مردم همان فجایعی را بار می آورد که در سیستم ارتجاعی و استبدادی فقهاتی در عمل مردم ما تجربه کرده‌اند. این سیستم متضاد با روح زمانه با تمام اجزا آن باید برچیده شده و به گور سپرده شود و چنین خواهد شد.

برقرار باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی



فقر: علل و چاره های آن بخش ششم

عبدالغنی فریندا، تنو مینگ تینگ، مجله بین المللی علوم انسانی و اجتماعی



3. علل فقر

3.5 حکمرانی و سیاستهای حکومتی ناکارآمد

بیشتر دولتهای آفریقایی در بخش عمده ای از دوران پس از استعمار، غیردموکراتیک بوده اند. در دهه های 1970 و 1980، وضعیت میانگین دولتهای آفریقایی بسیار نزدیک به خودکامگی بود. به نظر می رسد که حکومتداری محلی ناکارآمد و سیاستهای دولتی به گونه ای از رهایی مزمین فقرا از تله فقر جلوگیری می کند. الگوی رایج این است که دولت ها تحت کنترل نخبگان حاکم، جمعیت تحصیل کرده و ساکن شهرها قرار دارند و اینان نسبت به سیاستهای حمایت از فقرا بی تفاوت یا حتی در برابر چنین سیاستهایی مقاوم اند. این نخبگان سیاسی از فقرا به عنوان گروگان استفاده می کنند تا شخصاً از منابع کمک خارجی و بخشودگی بدهی بهره مند شوند.

علاوه بر این، بسیاری از این دولتها گرایش داشته اند که بخش عمومی را گسترش دهند، و از این طریق کنترلهای گسترده ای را بر فعالیت بخش خصوصی اعمال می کنند. این تصمیمات از نظر اقتصادی پرهزینه بوده اند. برای مثال در غنا تا اواخر دهه 1970 بخش عمومی سه چهارم اشتغال رسمی با دستمزد را تشکیل می داد. حتی در اقتصادی بازارمحورتر مانند کنیا، این رقم در سال 1990 حدود 50 درصد بود. اساساً به دلیل نبود دموکراسی، این دولتها در برابر افکار عمومی گسترده پاسخگو نبودند. در نتیجه کیفیت خدمات عمومی علیرغم هزینه های بالای دولتی مدام سیر نزولی داشته است. ارائه ناکارآمد خدمات، شرکتها را از طریق حمل و نقل نابسامان، تحویل برق غیرقابل اعتماد، شبکه های مخابراتی ناکافی، و دادگاه های غیرقابل پیش بینی با مشکل روبه رو کرده است.

برای نمونه، شرکت های تولیدی در زیمبابوه را در نظر بگیریم. این شرکتها مجبورند با وجود نرخهای بهره بسیار بالا، سطح بالایی از موجودی شان را در انبار نگه دارند، زیرا تحویل واردات به دلیل زیرساخت حمل و نقل ضعیف غیرقابل اعتماد است. همچنین یک نظرسنجی از شرکتهاى اوگاندایی نشان داد که کمبود برق به عنوان مهمترین محدودیت برای رشد شرکتها شناخته شده است؛ به طوری که تولید برق توسط خود شرکتها تقریباً به اندازه عرضه برق توسط بخش عمومی بوده است. برآوردها حاکی از آن اند که کیفیت ضعیف مخابرات در آفریقا موجب کاهش نرخ رشد کلی این قاره به میزان 1 درصد بوده است.

وجه دیگر واقعیت این است که دادگاه های بازرگانی آفریقا فاسدتر از سایر مناطق اند. در نتیجه شرکتها با مشکلات بیشتری در اجرای قراردادهای مواجه اند. مشکل اجرای قراردادهای رقابت در بازار را کاهش می دهد و منافع بالقوه تجارت را محدود می کند.



دولتهای آفریقایی رژیمهای مختلف کنترل اقتصادی را ایجاد کرده اند. برخی از کشورها مانند اتیوپی، آنگولا و تانزانیا کنترلهای گسترده ای را بر قیمتها برقرار کردند که در نتیجه آن، بازیگران بخش خصوصی انگیزه یافتند تولید (حداقل تولیدی که به طور رسمی به بازار عرضه می شود) را کاهش دهند. در حالت رایجتر نیز شرکتهای تحت مقررات سنگینی قرار داشته اند. برای نمونه شرکتهای تولیدی ای که قصد راه اندازی فعالیتی اقتصادی را در کنیا داشتند، مجبور بودند سالهای بسیاری گواهی "عدم مخالفت" از جانب تولیدکنندگان موجود دریافت کنند. قابل پیش بینی بود که این کیفیت به محدودیت سطح رقابت منجر شود، که چنین نیز شد.

در دهه های اخیر دولتهای آفریقایی سیاستهای ارزی و تجاری ای را پیشه کرده اند که به طور غیرمعمول ضد صادرات بودند و بدهی خارجی بزرگی با به بار آوردند. بر اساس مجموعه ای از شاخصها، آفریقا نسبت به سایر مناطق دارای موانع تجاری بسیار بالاتر و نرخهای ارز نامتعادلتی بوده است. تعرفه ها و مالیاتهای صادراتی در آفریقا - تا حدی به دلیل نبود منابع مالیاتی دیگر برای تأمین مالی مورد نیاز برای توسعه بخش عمومی - به طور نسبی بالاتر از سایر مناطق جهان بوده است؛ به نحوی که در برخی کشورهای این قاره صادرات در نتیجه مالیات گذاری سنگین بر محصولات صادراتی به شدت کاهش یافت. تانزانی یک نمونه برجسته است که در آن صادرات پنبه بدون وجود مالیاتها تا 50 درصد بیشتر می بود.

ما مخالف جنگ و جنگ افروزان و تحریم های اقتصادی جنایتکارانه علیه ایران و کشورهای دیگر هستیم و از صلح و لغو تحریمهای اقتصادی ضد مردمی دفاع می کنیم!

نگاهی به آمار حوادث شغلی در آینه آمارهای منتشر شده در دوره ۱۴۰۳

بهروز فدایی



حوادث کار در میهن ما در کنار دهها مشکل رنگ و وارنگ به معضلی جانکاه برای کارگران و زحمتکشان مبدل شده است، برای بررسی علل و ارائه راهکار جهت فایق آمدن بر این مشکل ابتدا این حوادث را از منظر آماری مورد بررسی قرار داده ایم در ادامه نیز جهات دیگر این موضوع را مورد کند و کاش قرار خواهیم داد

تعداد / درصد	شاخص
حداقل ۲,۰۷۹ نفر در این بازه گزارش شده است.	تعداد مرگومیر ناشی از حوادث کار
حداقل ۱۶,۲۷۳ نفر در همان دوره.	تعداد مصدومان (مجروحان)



تعداد / درصد	شاخص
حدود ۱۸,۳۵۴ نفر) بنابر گزارش هرا	کل تعداد «کشته + مصدوم» که رسانه‌ها یا نهاد مدنی گزارش داده‌اند
بر	
اساس گزارش «هرا» / مجموعه فعالان حقوق بشر» در بازه‌ی ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۳ تا ۷ اردیبهشت ۱۴۰۴ تفکیک نوع حوادث (علل) بر اساس گزارش گزارشگر حقوق کار که اطلاعات هرا جمع‌آوری کرده است، تقسیم‌بندی علل حوادث کار به شکل زیر است: سقوط از ارتفاع: ۲۲.۶۳ درصد تصادف (حادثه رانندگی یا وسایل نقلیه): ۱۴ درصد آتش‌سوزی: ۱۰.۵۷ درصد اصابت جسم سخت: ۱۰.۳۷ درصد مسمومیت: ۸.۸۵ درصد حوادث مرتبط با معادن: ۷.۶۲ درصد گاز گرفتگی: ۶.۴۳ درصد حوادث در کارخانجات: ۶.۳۹ درصد برق‌گرفتگی: ۶.۱۹ درصد حوادث ساختمانی: ۲.۴۶ درصد حوادث چاه: ۲.۳۰ درصد انفجار: ۰.۸۱ درصد پتروشیمی و پالایشگاه: ۰.۴۹ درصد حوادث نامشخص: ۰.۲۳ درصد دودگرفتگی: ۰.۱۹ درصد حوادث کشاورزی: ۰.۱۳ درصد غرق‌شدگی: ۰.۱۳ درصد	



نکات مهم و ملاحظات

منبع آماری غیررسمی بودن بخشی از آمار بسیاری از این اعداد از گزارش رسانه‌ای (هرانا) و «مجموعه فعالان حقوق بشر» آمده است؛ یعنی ممکن است پوشش کامل تمام حوادث کار در سراسر کشور را نداشته باشد.

تفاوت آمار نهادهای مختلف آمار پزشکی قانونی، تأمین اجتماعی و نهادهای مدنی ممکن است با هم تفاوت داشته باشند، چون همه حوادث کار ثبت نمی‌شوند یا به صورت کامل گزارش نمی‌شوند. مثلاً مرکز پژوهش‌های مجلس و سازمان تأمین اجتماعی گزارش‌هایی دارند که آمارشان با آمار گزارش‌شده توسط نهادهای مدنی تفاوت دارد.

ضعف نظارت و ایمنی محیط کار گزارش‌ها تأکید دارند که «فقدان ایمنی محیط کار» یکی از علت‌های اصلی این حوادث است و به نظر می‌رسد مشکلات ساختاری (نظارت، آموزش ایمنی، تعهد کارفرمایان) جدی‌اند.

اهمیت انفجارها و حوادث خاص

به عنوان مثال، در گزارش هرانا به انفجار در «معدن زغال‌سنگ طبس» اشاره شده که منجر به تلفات زیاد شد (۵۲ کشته و بیش از ۲۰ مصدوم بر اساس گزارش‌ها) و همچنین انفجار در اسکله شهید رجایی بندرعباس که قربانیان آن کارگران بودند. متأسفانه آمار رسمی بسیار دقیق و تفکیک‌شده حوادث کار در ایران برای «سال ۱۴۰۴» در منابع عمومی (وزارت تعاون، کار، تأمین اجتماعی، پزشکی قانونی) به شکلی شفاف و به‌روز منتشر نشده است (تا جایی که ما بررسی کردیم). اما می‌توان تحلیلی از آنچه موجود است را به همراه شکاف‌های آماری ارائه دهیم: نچه آمار «رسمی / نیمه‌رسمی» برای حوادث کار در ایران نشان می‌دهد (مرتبط با سال‌های نزدیک به ۱۴۰۴)

آمار پزشکی قانونی، مرگ و میر ناشی از حوادث کار

بر اساس گزارش هرانا، در سال ۱۴۰۳، «یک‌هزار و ۹۸۶ نفر» بر اثر حوادث محیط کار جان خود را از دست داده‌اند.

بیشترین علت مرگ در محیط کار در آن سال، «سقوط از بلندی» بوده است (۹۵۷ نفر، یعنی تقریباً ۴۲٪ کل فوتی‌ها).

سایر علل مرگ در حوادث کار در آن گزارش به ترتیب: اصابت جسم سخت (۳۹۹ نفر)، برق‌گرفتگی (۲۸۳ نفر)، سوختگی (۱۱۸ نفر)، کمبود اکسیژن (۴۰ نفر) و سایر عوامل (۱۸۹ نفر).

از نظر جغرافیایی، استان‌های با بیشترین فوتی در حوادث کار: تهران، اصفهان، خراسان رضوی، آذربایجان شرقی و مازندران.

آمار مصدومان حوادث کار

طبق همان گزارش هرانا، در سال ۱۴۰۳، تعداد مصدومان حوادث کار به «۲۶،۵۴۸ نفر» رسیده است.



از این تعداد، ۱,۵۱۸ نفر زن بوده‌اند و بقیه مرد.

اطهارات وزارت بهداشت

معاون بهداشت وزارت بهداشت اعلام کرده است که سالانه حدود ۱۰,۰۰۰ کارگر بر اثر حوادث شغلی فوت می‌کنند.

اگر این عدد معادل باشد، یعنی روزانه حدود ۲۶-۲۷ کارگر بر اثر حوادث ناشی از کار جان می‌دهند.

این آمار (۱۰ هزار نفر) بسیار بالاتر از آمار فوتی پزشکی قانونی (~ ۱,۹۸۶ نفر در ۱۴۰۳) است، که نشان‌دهنده شکاف قابل توجه بین آمار «رسمی - پایین‌تر» و «ادعاهای بعضی مسئولان - بالاتر» است.

ملاحظات کارشناسی و حقوق کارگری

برخی فعالان کارگری و حقوق‌دانان معتقدند آمار رسمی وزارت کار یا تأمین اجتماعی فقط بخشی از کارگران (مثلاً کارگران بیمه‌شده) را پوشش می‌دهد و بسیاری از کارگران بدون بیمه یا غیررسمی در آمارها ظاهر نمی‌شوند.

عضو کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران گفته که آمار فوتی‌ها از حوادث کار ممکن است «کاهش داده شود» (مثلاً برخی فوتی‌ها با توافق کارفرما و خانواده در آمار نیایند).

رئیس انجمن متخصصین بهداشت حرفه‌ای گفته است که حوادث شغلی دومین عامل مرگ در کشور است، ولی «آمار بیماری‌های شغلی» به درستی برآورد و منتشر نمی‌شود.

تحلیل شکاف‌ها و محدودیت‌ها

ناپوشش کارگران غیررسمی: بخش بزرگی از کارگران ایران ممکن است بیمه تأمین اجتماعی نداشته باشند یا در کارگاه‌هایی ثبت نشده باشند، که باعث می‌شود آمار تأمین اجتماعی آمار واقعی تمام حوادث کار را نشان ندهد.

اختلاف بین نهادها: آمار پزشکی قانونی، وزارت کار و وزارت بهداشت با هم تفاوت دارد؛ این اختلاف می‌تواند به دلیل تفاوت در تعریف «حادثه کار»، ثبت یا گزارش‌دهی باشد.

زیرا عدم شفافیت و ضعف نظارت: فعالان کارگری تأکید دارند که نظارت ایمنی در بسیاری از کارگاه‌ها ضعیف است و آموزش ایمنی لازم و بازرسی کافی وجود ندارد.

آمار غیرمنتشر شده یا دیر منتشرشده: ممکن است آمار کامل ۱۴۰۴ هنوز به صورت گزارش تفصیلی عمومی از همه نهادهای مرتبط (پزشکی قانونی، تأمین اجتماعی، وزارت کار) منتشر نشده باشد، یا بخشی از آن محرمانه باشد.

جمع‌بندی

آمار رسمی (مخصوصاً پزشکی قانونی) نشان می‌دهد در سال‌های نزدیک به ۱۴۰۴، تعداد مرگ‌ومیر ناشی از کار حدود ۲ هزار نفر در سال بوده است (۱۴۰۳: ۱,۹۸۶ نفر).



تعداد مصدومان کار نیز چند ده هزار نفر در سال است (۱۴۰۳: ~ ۲۶/۵ هزار نفر) بر اساس گزارش هرانا. اما آمار اعلام‌شده توسط معاون وزارت بهداشت بسیار بالاتر است (۱۰ هزار فوتی در یک سال) و این اختلاف نشان‌دهنده شکاف جدی در ثبت و گزارش حوادث کاری است. به نظر می‌رسد بخش زیادی از حوادث کار رخ داده گزارش مد نظر «پنهان‌مانده» است، خصوصاً در کارگاه‌های غیررسمی و کارگران بدون بیمه ملحوظ نشده باشد.

از مبارزه زنان علیه تبعیض و نابرابری و استبداد و بی عدالتی حمایت می‌کنیم!

سندیکای کودکان کار

آدم



چند ماهی بیشتر از انقلاب ناکام ۵۷ نگذشته بود. همه جا را شور و حال وصف نشدنی فرا گرفته بود. شور و حالی که قبل از آن در یاد نداشتم. همه خوشبین بودند و امیدوار و جز عده قلیلی تصور سر برآوردن دیکتاتوری به مراتب وحشی‌تری از دیکتاتوری سرنگون شده پیشین را نداشتند.

سندیکاهای کارگری سرکوب شده که فعالیت‌های خود را یکی بعد از دیگری از سر گرفته بودند، در این شور و حال شریک بودند. در چنین حال و هوایی روزی از روزها گذرم به سندیکای کارگران بلورساز افتاد. محل سندیکا در میدان شاه سابق و میدان قیام کنونی در طبقه دوم یک ساختمان در کنار یک چلوکبابی بنام چلوکبابی اسلامی قرار داشت که بوی وسوسه برانگیز کباب تا سالن محل سندیکا پخش می‌شد و شکم‌های گرسنه را بدجوری به هوس می‌انداخت.

داخل سالن که شدم چشمم به انبوه کودکانی افتاد که بعداً فهمیدم کارگران کارگاه‌های بلورسازی در مناطق جنوبی و حاشیه‌های تهران بودند. البته از دیدنشان شگفت زده نشدم چون تهران پر بود از کودکانی که در کارگاه‌ها و گاراژها کار می‌کردند و خیلی‌هایشان کمتر از پانزده سال سن داشتند. حتی در موسسات بزرگ و مشهوری مانند چاپخانه سپهر که در بعضی تابستانها کار می‌کردم کودکان زیادی بخصوص در قسمت صحافی تابستانها کار می‌کردند. در تعدادی از کارخانه‌های بزرگ واقع در جاده مخصوص بخصوص بافندگی‌ها وضع چنین بود

عباس رفیق ام که خودش از رهبران سندیکای خم‌کار و نورد کار در بازارچه مولوی بود و من را او بود که به آنجا آورده بود گفت می‌بینی، بی انصاف بزرگها خودشان در صندلی‌های ردیف اول نشسته‌اند و بچه‌ها را



در صندلی های عقب نشاندۀاند. پرسیدم به خاطر دیدشان می گویی، گفت بله، اما نه فقط برای دیده شان، بلکه برای اهمیت کمی که برای آنها بزرگترها قائلند. خیلی از آنهایی که الان در ردیف های اول نشسته اند، خودشان روزگاری مانند همین بچه ها بودند. پرسیدم این بچه ها حق رای هم دارند؟ گفت آنهایی که زیر ۱۴ سال دارند قانونا نه، اما حضورشان برای پر کردن سالن و یاد گرفتن و تجربه اندوختن مفید است و افزود واقعیتی است که نمی شود منکرش شد.

عباس بعضی از آنهایی را که پشت میز نشسته بودند و مسئول جلسه و مجری انتخابات هئیت مدیره بودند از پیش می شناخت و در گوشم گفت آن دوتا که سمت راست در ردیف اول نشسته اند آدمهای با انگیزه ای هستند. یکی دو تا را هم نام برد که سندیکالیست خالص بودند و در چهار چوب فکری شان کار می کردند. اسم این چهار نفر در لیست کاندیداهای عضویت در هئیت مدیره بود. همه ی داوطلبان ۴۰ سال به بالا بودند. در میان آنها یک جوان ۱۷ ساله هم بود. هنگام معرفی خودش خیلی رادیکال صحبت کرد ولی حرفهایش با همه شوری که در آن بود از کم تجربگی اش در این کار نشانه داشت که با وجود سن کم اش ایردادی نمی شد به او گرفت.

انتخابات شروع شد و ورقه های رای بین خرد و کلان تقسیم شد. یکی بلند شد و گفت به کمتر از ۱۵ ساله ها بیخود ورقه دادید، آن چهار نفر که گفتم با نظر او مخالفت کردند و یک شان گفت هر کس در این جا هست و کار می کند، حق رای دارد. چطور جلوی کار ۱۴ ساله ها را نمی گیرند، اما رای دادنشان غیر قانونی است؟ یکی از سندیکا لیست ها گفت نصف کسانی که در بلورسازها کار می کنند کم سن و سالها هستند، من صلاح نمی دانم که آنها را از این حق محروم کنیم. رژیم قبلی سقوط کرده و هنوز تکلیف قانون قبلی روشن نیست، به این خاطر کسی فعلا نمی تواند از ما به این خاطر ایرادی بگیرد.

به هر حال انتخابات انجام و اعضای هئیت مدیره انتخاب شدند. آن جوان ۱۷ ساله نیز جز منتخبین بود. مجمع که تمام شد عباس رفت با چند نفری که می شناخت خوش و بش کرد و در آخر سراغ آن جوان رفتیم تا هم به او تبریک بگوییم و هم از او دعوت کنیم به جمعی از سندیکالیستها و سیاسیون قدیمی کارگری که کلاس آموزش سندیکایی درست کرده بودند ملحق شود. او هم پذیرفت و مدتی در کلاس ها شرکت می کرد، ولی بعد از مدتی غیب اش زد و مدتی از علت غیبت اش بی اطلاع بودیم تا اینکه عباس از قول یک رفیق قدیمی که در سندیکای بلورسازان داشت شنید که علی در درگیری خیابانی رژیم با مجاهدین گلوله خورده و کشته شده است و ما را با اندوه و افسوس مان تنها گذاشت.

اتحاد رمز پیروزی است!

متحد و متشکل علیه فقر و استبداد برای نان و آزادی!



سومین سالگرد جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی و یاد جان باختگان و آسیب دیدگان و زندانیان جنبش را گرامی می داریم و دست آوردهای انقلابی و مترقیانه آن را ارج می نهیم و خود را متعهد و مکلف به محافظت از دست آوردها آن می دانیم!



دلار دستکم هر روز هزار تومان گران و ارزش پول ایران و قدرت خرید مردم تقلیل پیدا می کند روز گذشته قیمت دلار به ۱۲۶ هزار تومان رسید. افزایش همه روزه دلار که به نظر می رسد حکومت تلاش می کند مردم را به آن عادت دهد، به همان نسبت که افزایش پیدا می کند ارزش پول ملی را نیز کاهش میدهد و باعث افزایش قیمتها و هزینه های زندگی می شود. بدتر آنکه اربابان قدرت با حذف ارز ترجیحی و تشدید آهنگ سیاست ریاضت اقتصادی و شوک درمانی شرایط معیشتی مردم را روز به روز دشوارتر مینمایند. دیروز اعلام شد قیمت یک داروی حیاتی و کمیاب از نیم میلیون به ۴۵ میلیون افزایش یافته که خود گویای این است که سیاست شوک درمانی فقط معیشت مردم را متزلزل نمی کند، آدم هم می کشد. علیه سیاستهای فقر آور شوک درمانی و تحمیل ریاضت اقتصادی و بانیان و مجریان آن متحدانه مبارزه باید کرد!



انتقال یونس آزادبر بیمار به بند میثاق زندان لاکان؛ نگرانیها درباره خطر جانی این فعال صنفی یونس آزادبر، فعال صنفی و کارگری و از چهره های شناخته شده تجمعات بازنشستگان، روز دوشنبه ۱۷ آذرماه ۱۴۰۴ در حالی به بند «میثاق» زندان لاکان رشت منتقل شد که بنا بر شهادت افراد مطلع، وضعیت جسمی او در حدی وخیم است که تحمل شرایط زندان می تواند با خطر جدی برای جانش همراه باشد. وخامت وضعیت درمانی این زندانی و ناتوانی امکانات بهداری زندان، نگرانیها در نسبت به سلامت وی را به شدت افزایش داده است

اتحاد، اعتراض، نبرد تا رهایی!

کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارات تشکیل دهیم!



افزایش نرخ بنزین در شرایطی که کارگران و مردم محروم و زحمتکش تحت شدیدترین فشارهای اقتصادی و معیشتی قرار دارند، محکوم است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه اعلام می‌کند که وضعیت وخیم اقتصادی و اجتماعی کشور، افزایش قیمت بنزین و حامل‌های انرژی، گرانی آب، برق، گاز، اجاره بهای مسکن، موبایل و اینترنت، سیاست‌های نابرابر اقتصادی و فساد گسترده، معیشت میلیون‌ها کارگر، بازنشسته و خانواده‌هایشان را به مرز نابودی رسانده است.

افزایش قیمت سوخت، هزینه‌ی رفت‌وآمد کارگران و نگهداری ناوگان حمل‌ونقل عمومی را بالا برده و درآمد خالص رانندگان و کارکنان را کاهش داده است. این گرانی از جمله عوامل افزایش لجام‌گسیخته تورم در سراسر زنجیره‌ی تأمین کالا و خدمات شده، و دستمزدهای موجود توان پوشش حتی حداقل‌های زندگی را ندارند.

در شرایطی که کارگران با نیروی کار خود چرخ اقتصاد را می‌چرخانند، سود و رفاه در اختیار اقلیت صاحب رانت، سرمایه و قدرت قرار گرفته است. فساد ساختاری - از اختلاس و پروژه‌های غیرشفاف گرفته تا واگذاری‌های غیرقانونی و غارت منابع عمومی - همراه با حذف یارانه‌ها و خصوصی‌سازی، ساختاری را ایجاد کرده که منافع عمومی را قربانی منافع خصوصی صاحبان قدرت و سرمایه کرده است.

تمام قدرت‌های داخلی و خارجی که مسبب اوضاع فلاکت‌بار کنونی هستند نشان داده‌اند که پیشیزی ارزش برای ما کارگران و زحمتکشان قائل نیستند. اوضاع امروز کشور - تورم و گرانی سرسام‌آور، بی‌حقوقی، فقر گسترده، آلودگی هوا، سرکوب و استیصال - نتیجه‌ی سیاست‌آنهایی است که به نام «مستضعفان» به قدرت رسیدند، اما از همان ابتدا تیغ ستمشان را بر گردن کارگران و مردم زحمتکش فرود آوردند. کارگر، معلم، پرستار، بازنشسته، و هر مزدبگیری، همگی قربانیان این سیاست‌های استثمارگرانه و ویرانگر شده‌اند.

قدرت‌های غربی که سالهاست تحریم‌های اقتصادی به راه انداخته‌اند، ذره‌ای برایشان مهم نیست که قربانیان اصلی و بلافصل این تحریم‌های اقتصادی خانواده‌های کارگری و مردم عادی هستند. در مقابل، سران حکومتی، مدیران دستگاه‌های سرکوب، سیاستمداران، آقازاده‌ها، سرمایه‌داران، پولداران، زمین‌خواران و تاجران ارز هر روز ثروتمندتر شده‌اند و خانواده‌هایشان در کشورهای مختلف جهان مشغول عیش و نوش‌اند، و ما کارگران باید خود را برای موج دیگری از ریاضت‌کشی‌های بی‌رحمانه‌ی اقتصادی آماده کنیم. تحریم‌های اقتصادی اگرچه اساساً به ضرر طبقه کارگر و مردم محروم بوده‌اند، اما برای حاکمان به دستاویزی تبدیل شده‌اند تا هر روز بیش از پیش به سفره‌ی خالی کارگران و مردم فقیر و محروم حمله کنند.

اما آبان ۹۸ را فراموش نکنند؛ مردم نشان داده‌اند که فشار و تحقیر بی‌پاسخ و بی‌پایان نخواهد ماند. ما کارگران اعلام می‌کنیم که راه نجات نه در جناح‌های حکومتی است و نه در نیروهای مداخله‌گر خارجی؛ چاره‌ی ما کارگران و زحمتکشان، وحدت و تشکیلات مستقل خودمان است.



نه به گرانی، فساد و سرکوب
به امید برقراری عدالت در ایران و جهان
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
۱۸ آذر ۱۴۰۴

چاره کارگران و مزد بگیران وحدت و تشکیلات مستقل است!

نجات تامین اجتماعی از فروپاشی برکناری مدیریت دولتی است!



سالگرد کانون صنفی معلمان تهران؛ تجدید عهد با عدالت و آزادی آموزش
همزمان با روز جهانی داوطلب، جمعی از معلمان کانون صنفی معلمان ایران (تهران)، گرد هم آمدند؛
گفت‌وگو کردند، جشن گرفتند، کیک بریدند و با بنرهایی در دست، ۲۶ سال ایستادگی و تلاش بی‌وقفه برای
حقوق خود و همکارانشان را گرامی داشتند.

در این گردهمایی، شعری در اهمیت عدالت آموزشی و کیفیت آموزش منتشر شد؛ شعری که بر تداوم
راهی تأکید دارد که معلمان برای کرامت حرفه‌ای و حق آموزش برابر پیموده‌اند:

بیست‌وشش سال گذشت

و کانون صنفی معلمان

همان‌جاست که باید باشد:

در کنار معلمان،

در کنار محروم‌ترین دانش‌آموزان،

در کنار مدرسه،

در کنار حقیقت آموزش.



۲۶ سال ایستادگی،

برای اینکه کرامت معلم فراموش نشود،

برای اینکه عدالت آموزشی هیچ‌گاه به شعار تقلیل نیابد.

کانون‌های صنفی معلمان، همچنان صدای رسای فرهنگیان است که می‌گویند:

کیفیت آموزش

پایه‌ی آینده‌ی این سرزمین است؛

و بدون احترام به معلم،

هیچ آینده‌ای ساخته نخواهد شد.

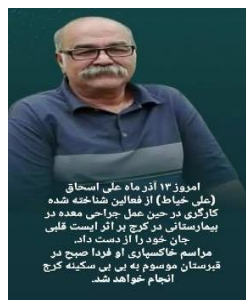


احضار چهار عضو کانون صنفی معلمان خوزستان به دادگاه

خانم [کوکب بداعی](#) و آقایان [پیروز نامی](#)، [علی کروشات](#) و [#سیامک صادقی چهارزی](#)، که صرفاً به دلیل فعالیت‌های صنفی در چارچوب قانون اساسی، در یک پرونده مشترک در دادگاه بدوی به اتهام "فعالیت تبلیغی علیه نظام" به یک سال حبس تعزیری و به اتهام "اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور" به پنج سال حبس تعزیری (مجموعاً شش سال برای هر نفر) محکوم شده بودند به دادگاه تجدید نظر احضار شدند.

این چهار فعال صنفی معلمان باید در تاریخ شنبه ۱۵ آذرماه در شعبه ۲۰ دادگاه تجدیدنظر استان خوزستان حاضر شده تا به اعتراضشان نسبت به حکم بدوی رسیدگی شود.

[#شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران](#) ضمن حمایت کامل از این چهار فعال صنفی معلمان و تاکید بر مدنی بودن فعالیت آنها، خواهان برائت کامل آنها در دادگاه تجدید نظر و پایان پرونده سازی برای همه معلمان و فعالان صنفی می‌باشد.



امروز ۱۳ آذرماه علی اسحاق (علی خاچا) از فعالین شناخته شده کارگری در حین عمل جراحی معده در بیمارستانی در کرج بر اثر ایست قلبی جان خود را از دست داد. مراسم خاکسپاری او فردا صبح در قبرستان موسوم به بی بی سکینه کرج انجام خواهد شد.

علی اسحاق فعال کارگری و جنبش چپ ایران درگذشت



روز ۱۳ آذر علی اسحاق (علی خیاط) از فعالین کارگری و جنبش چپ ایران در حین عمل جراحی معده در بیمارستانی در کرج بر اثر ایست قلبی جان خود را از دست داد.

علی اسحاق از اوایل دهه شصت؛ مدت ۲۰ سال از زندگی اش را در زندان و تبعید سپری کرد و با این حال؛ و به رغم زندگی مشقت باری که داشت؛ لحظه ای از مبارزه برای تحقق آرمانهای طبقه کارگر دست نکشید و همین استقامت و ایستادگی او باعث شد تا بار دیگر در سال ۹۸ دستگیر و با وجود کهولت سن؛ مدت سه سال دیگر را نیز در زندان سپری کند

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

از مبارزه کارگران قراردادی و پیمانی برای لغو کار پیمانی و قرارداد های اسارتبار موقت حمایت کنیم!

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>